

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۴، ص ۵۴-۳۷

تبیین شکاف بین سیاست و اخلاق بر مبنای نظریه ماکیاولی با بررسی پند و اندرز در داستان شیر و گاو کلیده و دمنه

دکتر قدسیه رضوانیان* - عفت سادات غفوری**

چکیده

کلیده و دمنه گرایش‌های مختلف ادبیات اخلاقی و تعلیمی ما را در خود جلوه‌گر ساخته است. این کتاب گذشته از آموزه‌های سیاسی، دربردارنده آموزه‌های اخلاقی نیز هست و برای این منظور از تأثیر القایی داستان بهره می‌گیرد که در قالب حکایت متجلی می‌شود. از آنجا که در رویکرد سنتی برای آموزش و به ویژه آموزش اخلاق، گفتمان اندرزی گفتمان غالب دانسته می‌شود، این پژوهش درصدد است تا با بررسی این بُعد از ادب تعلیمی، بدین پرسش جواب دهد که آیا هدف پند و اندرز از زبان شخصیت‌های این داستان در همه موارد اخلاقی است یا به اقتضای جنبه سیاسی اثر، لزوماً کارکرد اندرز، اخلاقی نیست و گاه حتی در تقابل با آن قرار می‌گیرد. با بررسی

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران Ghrezvan@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران e.ghafoori2010@yahoo.com

پند و اندرز در داستان شیر و گاو مشاهده می‌شود بیشترین بسامد پند و اندرز در این داستان از زبان دمنه به کیلیه و شیر بیان شده است. در غالب پندهای اخلاقی دمنه، گفتمان سیاست و قدرت بر اخلاق و تعلیم غلبه دارد. به همین سبب، شباهت‌های زیادی میان اندیشه‌های ماکیاولی و محتوای تعلیمی این داستان دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

کیلیه و دمنه، پند و اندرز، ماکیاولی، اخلاق، سیاست.

1- درآمد

نظام اجتماعی مبتنی بر اصول، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای است که معمولاً اخلاق نامیده می‌شود. اخلاق هم خاستگاه دینی دارد و هم متأثر از عرف، فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده‌های اجتماعی است. بدین سبب که بخش وسیعی از ادبیات تعلیمی بر آموزه‌های اخلاقی بنیاد نهاده شده است، ارتباط ادبیات و اخلاق را نمی‌توان انکار کرد. «فلاطون نخستین کسی است که بر ارزش اخلاق در ادبیات تکیه می‌کند» (اسلامی ندوشن، 1370: 226). از میان کارکردهای ادبیات، نقش تعلیمی آن از ابتدا برجسته بوده است. این نقش در همه فرم‌ها و گونه‌های آن به وضوح دیده می‌شود. «تعلیم در ادبیات غالباً معطوف به اخلاقیات است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، فضایل ارزشی را با هدف پرورش روح و بهبود رفتارهای فردی انسان‌ها ترویج می‌کند و این هدف را از طریق معرفی الگوها و بیشتر از راه پند و اندرز در گونه‌های مختلف ادبی، اعم از شعر و نثر دنبال می‌نماید که در ادبیات تحت تأثیر آموزه‌های قرآن و روایات اسلامی است» (رضی، 1391: 104). به نظر می‌رسد وجود ادبیات تعلیمی و تدوین کتاب‌های اخلاقی و پندآمیز در ادب فارسی یکی از شواهدی است که نشان می‌دهد

جامعه ایران در گذشته از مبانی غیراخلاقی متأثر بوده و ضد ارزش های چندی رونق داشته است (کراچی، 1383: 52). نویسنده و شاعر سستی، صرف نظر از محتوا و قالب ادبی متن، خود را پایبند به بیان اخلاقیات می دیده است. ادبیات تعلیمی کارکردهای گوناگونی دارد که ممکن است در دوره ای یا سرزمینی، یکی از کارکردهای آن برجسته شود، همچنان که کارکرد اخلاقی آن در ادبیات کلاسیک فارسی پررنگ تر است. اهمیت شاخه اخلاقی ادبیات تعلیمی تا حدی است که بعضی ادبیات تعلیمی را مترادف با پند و اندرز و اخلاق شمرده و آن را منحصر و محدود به ادبیاتی دانسته اند که هدف و همت خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می کند (مشرّف، 1389: 9).

می توان گفت استفاده اخلاق گرایان از ادبیات غالباً به این دلیل بوده است که ادبیات حالتی اقناعی و توجیه کننده دارد و با ابزارهای ادبی مانند حکایت، تمثیل، کلمات قصار، ضرب المثل و غیره سعی می کند مخاطب را متقاعد کند که رفتار یا اندیشه ای پسندیده یا ناپسندیده است. نوآوری مهم در پند و اندرز، آوردن زمینه داستانی برای آن است. این داستانها به ندرت به زمان گوینده مربوط است. نویسندگان قابوس نامه و سیاست نامه برای دادن این زمینه داستانی به نصایح خود، از وقایع روزگار خود استفاده کرده اند ولی معمولاً قصه پندآمیز، داستان ادبی است که زمان معین ندارد و در همه زمان ها معتبر است. در واقع سخن پندآمیز جز با وابستگی به قصه ای شیرین برجستگی پیدا نمی کند. پند نکته ظریفی است که داستان برای نشان دادن و برجسته کردن آن ساخته می شود و داستان می تواند توجه خواننده را برانگیزد، به نحوی که او را به موضوع پند نیز علاقه مند سازد.

2- سیاست و اخلاق و ارتباط آنها از نظر ماکیاولی

مهم ترین عنصری که در تحلیل امور سیاسی به کار می رود، قدرت است. سیاست به

عنوان علم قدرت و شیوه نفوذ در اندیشه انسان برای تغییر در رفتار و هدایت و ترغیب او برای انتخاب اولویت هایش، از دیر زمان مورد توجه متفکران بوده است. این مسأله که برای دستیابی و تأمین یک هدف مشروع، استفاده از شیوه ها و روش های غیر موجه و نامشروع تا چه اندازه پذیرفتنی است، همواره منجر به بحث و جدال اخلاقی شده است. «ارتباط علم سیاست و علوم وابسته به اخلاق را رابطه قانون با اخلاق به خوبی نشان می دهد. متفکران سیاسی اروپای عهد باستان و سده های میانه اخلاق را پیش درآمد جدایی ناپذیر مطالعات سیاسی می دانستند. افلاطون سیاست را جزئی از اخلاقیات می دانست، هدف دولت عملی کردن «زندگی خوب» است. همه متفکران مکتب ایده آلیستی نظریه سیاسی جدید مانند روسو، کانت و هگل، دولت را نهادی اخلاقی می دانستند که از رشد اخلاقی انسان ها جداناپذیر است» (حسن پور و ده یادگاری، 1388: 116-117). برخی از متفکران و محققان ورود اخلاق را به حیطه سیاست ارج نمی گذارند. این گونه افکار به نیکولو ماکیاولی سیاستمدار و متفکر ایتالیایی (1469-1527م.) نسبت داده می شود که عقیده داشت خمیرمایه فعالیت سیاسی کسب و حفظ قدرت است. او می گوید نفس زور و تزویر در مسایل سیاسی حیاتی است و مسایل دولت نباید ملاحظات اخلاقی را در نظر داشته باشد (عالم، 1384: 73-72).

ماکیاولیسم نظریه ای سیاسی است که به نام ماکیاولی معروف است. بنیاد ماکیاولیسم، بحث درباره روش و هدف در سیاست است. «ماکیاولی پایبندی به اصول اخلاقی را در حوزه سیاست عملی بر اساس محاسبات صوری و ظاهری مضر به حفظ و صیانت از قدرت سیاسی می دانست. او تلاش می نمود معیاری متفاوت برای رفتارهای غیر اخلاقی در عرصه سیاست عملی دست و پا نماید» (احمدی، 1387: 124).

ماکیاولی با این استدلال که حفظ و تحکیم قدرت سیاسی، نادیده انگاشتن قواعد اخلاقی را ایجاب می نماید، به شهریار رهنمود می دهد که صرفاً برای پیشبرد اهداف

به قانون و روش های اخلاقی تکیه نکند و در این راستا به صراحت رهبران سیاسی را از الزام همیشگی به قواعد اخلاقی معاف می شمرد و پایبندی به قواعد مزبور را با حفظ قدرت به ویژه در مقام تعارض زیان آور می دانست (احمدی، 1387: 125). از نظر ماکیاولی دنیا واجد اصالت و در این دنیا نیز «قدرت» اصل است. از مهم ترین آثار ماکیاولی دو کتاب است. نخستین کتاب «شهریار» نام دارد و در آن ماکیاولی چهره زمامدار مطلوب و مورد نظر خویش را ترسیم می کند و دیگر کتاب، «گفتارها» نام دارد و در آن ماکیاولی هدف خود را پی بردن به عوامل و مؤلفه هایی می داند که موقعیت مسلط، چیرگی و برتری امپراتوری روم باستان را امکان پذیر ساخته بود. وی در کتاب شهریار بر پادشاهی و اقتدار آن به عنوان نظام مطلوب و مشکل گشای جامعه سیاسی تاکید کرده و استدلال هایش را بر پایه رابطه ای پیچیده بین اخلاق و سیاست استوار کرده که فضیلت شهریاری را با قدرت درک و عمل در جهان سیاست و توانایی های او برای اعمال خشونت، ریاورزی و فریبکاری در هم می آمیزد در مقابل در کتاب گفتارها آزادی، حکومت جمهوری، کارهای نوآوران سیاسی، قوانین و نهادهای جمهوریت را بنا نهاده است. منازعه آشکار بین جمهوری خواهی ماکیاولی در کتاب گفتارها و گرایش های نخبه گرایی او در کتاب شهریار به تفاسیر گسترده ای انجامیده است. در این پژوهش، نکات اخلاقی و تقابل آن با اندیشه های سیاسی بر طبق کتاب شهریار بررسی می گردد چرا که آموزه هایی مانند پیمان شکنی، استفاده از نیرنگ و مکر در پیشبرد اهداف، به کارگیری خصال حیواناتی مانند شیر و روباه (دلاوری و مکر)، تظاهر به اخلاق و رفتار نیک به ویژه تظاهر به دینداری برای نفوذ در قلوب توده مردم، فریب آنان و روش های غیر اخلاقی از این قبیل که در سیاست غیر اخلاقی ماکیاولی به حکم مصلحت سیاسی توجیه می گردد، در این کتاب آمده است (ماکیاولی، 1375: 108-102) و منطبق با نکاتی است که در کلیله نیز با آن روبرو هستیم.

3- پیشینه پژوهش

درباره این موضوع کار مستقلی تا امروز چاپ نشده اما در برخی نوشته ها اشاره هایی را می توان یافت که به بحث ما مرتبط است. دهقانیان در مقاله ای با عنوان «نقد اخلاق گرایی در کلیله و دمنه» با نیم نگاهی به اندیشه ماکیاولی در کل کلیله، مباحثی را که غالباً اخلاقی است، مطرح می کند و به بررسی در ژرف ساخت و رو ساخت این اثر می پردازد (دهقانیان، 1390: 140).

در مقاله «ماکیاولیسم و مشابهت های مندرج در کلیله و دمنه و مرزبان نامه با آن» نویسنده بیشتر به داستان هایی اشاره دارد که محتوای آن ها - همراه با تشخیص شخصیت ها - با اندیشه ماکیاولی شباهت دارند و به طور خاص به بررسی موارد اخلاقی و تربیتی و ارتباط آن با سیاست و اندیشه ماکیاولی پرداخته است (اطمینان، 1388: 28).

در مقاله «اندیشه سیاسی در کلیله» که بر پایه تحلیل سیاسی است، نویسندگان بیشتر در پی آن بوده اند تا نشان دهند که اندیشه های سیاسی این کتاب در زمینه های نفی ستم، نفی حسادت و... چه جهت گیری هایی دارد. در این مقاله تنها به تأثیر مثبت اخلاق در سیاست پرداخته شده است و تقابل اندیشه های سیاسی و اخلاقی مطرح نشده است (شریف پور و محمدی، 1387: 59).

4- کلیله و دمنه

کلیله و دمنه که اصل آن هندی است، ترجمه نصرالله منشی در قرن ششم است و از جنبه های مختلف بر آثار بعد از خود تأثیر گذاشته است. شاید بتوان گفت برگردان این کتاب در آن دوره تصادفی نبوده و حاصل تدبیر، نیاز جامعه، فرهیختگان و طبقات برگزیده بوده است. این اثر را در اصل رساله ای دانسته اند در باب سیاست، موسوم به «نیتی چاسترا» که برای شاهزادگان گزارش شده است (محجوب، 1349: 22). از آنجا که

مضمون حکایت‌ها در کلیله و دمنه گاهی به اقتضای جهان بینی و فرهنگ و عرف مترجمان تغییر کرده است، در زبان فارسی نیز بی تردید با توجه به دیدگاه های کلامی رایج در زمان نویسندگان و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوران، مضامین تغییر کرده یا مضامین دیگری از حکایت‌ها برداشت شده است (نقوی، 1376: 80).

در کلیله و دمنه شخصیت‌ها حیواناتی هستند که زندگی آن‌ها شبیه انسان‌هاست، تکلم می‌کنند و می‌اندیشند. محققان این نوع داستان را فابل (fabl) می‌خوانند. هدف این نوع داستان، آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. این کتاب با حکایت‌هایی همراه است که موضوع اصلی آن‌ها بیشتر معطوف به حکمت عملی است که از سه شعبه اخلاق فردی، تدبیر منزل و سیاست مُدُن تشکیل شده است (همان: 77). از آنجا که این کتاب علاوه بر امتیازهای ادبی به دلیل مضامین برجسته و محتوای آن درخور توجه است، هرکس فراخور ذوق و فهم و بر وفق مرام و مقصود خود از آن بهره می‌گیرد: «عوام برای داستان‌های شیرین و دلکش آن، خواص برای مضامین حکمت‌آمیز و پندآمیز آن و اهل سیاست و کشورداری برای عبرت‌گرفتن و تدبیر آموختن» (مجتبایی، 1381: 17). انتخاب حکایت و داستان برای بیان مقاصد تعلیمی از ویژگی‌های کلیله و دمنه است که آن را از اندرنامه‌ها یا کتاب‌هایی چون اخلاق ناصری، کیمیای سعادت، نصیحه الملوک و غیره متمایز کرده است. به همین دلیل، مخاطب صرفاً با نظریه‌های اندرزی خشک و بی‌روح مواجه نیست. شکل داستانی توانسته است به جای امر و نهی صرف، کنش و اندیشه‌ای را در عمل نشان دهد. مخاطب از طریق خاصیت مهم ادبیات داستانی - نمایشی یعنی همذات‌پنداری، خود را با ماجراها و یا گفّت و گوهای داستان شریک و همراه می‌کند و در نهایت، درباره امر اخلاقی مورد بحث قضاوت می‌کند.

کلیله متنی سیاسی است و اصول و قوانین سیاسی را در قالب حکایت‌های بلند و

کوتاه تبیین می نماید. شخصیت های تمام حیوانات نقش آفرین این اثر، نمونه، تمثیل یا نمادی از انسان های واقعی و معمولی هستند که در شرایط عینی و اجتماعی شخصیت شان شکل می گیرد. این شخصیت ها با کردار و گفتار خویش، تعلیمات اخلاقی بسیاری را به صورت غیرمستقیم یادآوری می کنند. از طرفی چون انسان ها و تفکرشان در طول سالیان درازی که از خلق این داستان ها گذشته، تغییر و تحولات زیادی پذیرفته اند، معیارهای اخلاقی هم تغییر کرده اند، پس نباید انتظار داشت درون مایه هر حکایتی، حکمی اخلاقی و مقبول جامعه امروزی را منعکس کند. چون معیارهای اخلاقی معیارهای قاطع، ثابت و همیشگی نیستند. «حتی گاهی درس هایی که می دهند در واقع اخلاق نیستند و صرفاً درباره حزم و خردمندی که بر پایه تجربه و رفتار مردم و گاهی تباهی آن هاست، به صورت غیر اخلاقی پندی می دهند. مانند چگونه بهترین چیزهای دشمن را از دستش بیرون آوریم یا حتی بهترین چیزهای یک دوست را؛ چگونه به خداوندان زر و زور چاپلوسی کنیم؛ چگونه از شوربختی ها و غلط کاری های مردمان دیگر عبرت بپندوزیم و حاصل آن چگونه همه چیز را به حساب منفعت و برخورداری خود دگرگون سازیم» (حلبی، ۱۳۸۵: ۲۸).

در این داستان، در لایه زیرین پند و اندرز-به ویژه از زبان دمنه- نیرنگ سیاسی دیده می شود. نیرنگ، کتمان و پنهان داشت است و کمک می کند تا هر هدفی از فروتنانه ترین هدف ها تا اهداف متعالی و رهبری به انجام رسد. نیرنگ تنها می تواند عمل افرادی اندک شمار باشد. در اکثر موارد در این اثر، نیرنگ همراه با «خرد و حصافت» هسته اصلی داستان ها محسوب می شود.

5- بررسی و رویکرد رفتاری دمنه با شاخص پند و اندرز

تمام شخصیت های این داستان به غیر از دمنه پند و اندرزهایی همسو با اخلاق

می‌دهند که در اغلب موارد سبب بازدارندگی دمنه از اموری می‌شود که در پی آن است لذا در این قسمت از مقاله تنها به بررسی پند و اندرزهای دمنه پرداخته می‌شود تا شکاف بین اخلاق و سیاست با رویکرد رفتاری این شخصیت در داستان تبیین گردد.

دمنه در این داستان در برابر شخصیت‌ها و در موقعیت‌های مختلف رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهد، بدین سبب دارای شخصیتی مسئله‌دار است. وی «به عنوان یک روان‌شناس ماکیاولیست، فردی است هشیار، جاه‌طلب، مغرور به زیرکی خود که برای تأمین و حفظ منافع خود حاضر به انجام هر خیانت و جنایتی است» (اطمینان، 1388: 26). دمنه بلند پرواز است و می‌خواهد از طبقه اجتماعی خود ارتقا یابد و از آن جا که این کار در حال عادی و از طریق قانونی میسر نیست، به فریب روی می‌آورد. دمنه در موقعیت‌هایی که با آن روبرو می‌شود، سخنانش را با پند و اندرز به کلیله، شیر، گاو و دیگر شخصیت‌ها بیان می‌کند و در چند مورد به صورت مستقیم و غیر مستقیم خود را ناصح می‌نامد (منشی، 1382: 80). وی بر این عقیده است که هر که به پادشاه نصیحتی بپوشاند، خود را خیانت کرده باشد (همان: 89). او حتی خویشتن را نصیحت می‌کند. پندهایی که وی به اطرافیان خود می‌دهد، به دلیل در نظر گرفتن منافع شخصی در اکثر موارد جنبه اخلاقی ندارد و حتی در مواردی ضد اخلاقی است. او عالم بی عمل است یا عالمی است که حزم و دوراندیشی ندارد و بسیاری از اصول را زیر پا می‌گذارد و وسیله را فدای هدف می‌کند. حسادت دمنه به شنزبه، زحمات او را به باد می‌دهد و چشم او را بر حزم و احتیاط می‌بندد. او می‌خواهد جایگاه از دست رفته را به دست بیاورد اما از اصول اخلاقی منحرف می‌شود و با اعتماد فراوانی که به خرد خویش یافته است، از در مکر وارد می‌شود.

«ماکیاولی² بر این باور بود که غلبه عواطف و احساسات بر رفتار سیاسی همه افراد و ملت‌ها از جمله زمامداران، وجه مشترک و جامع میان آنان است. مال دوستی و جاه

طلبی از خصال ذاتی و ثابت بشر است که همواره رفتارهای خاصی را جهت نیل و اقناع خواسته های نفسانی ایجاب می نماید» (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). دمنه نیز خود بر آن است که حرص و جاه طلبی اش سبب بی قدری نصیحت های کلیده شده است (نصرالله منشی، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

نمودار زیر نشانگر بسامد پند و اندرز در داستان «شیر و گاو» است.

پنددهنده	فراوانی	درصد
دمنه	32	55 %
کلیده	13	22 %
شیر	5	9 %
مادر شیر	6	10 %
گاو	2	3 %

5-1- پند و اندرزهای دمنه به شیر

نصایح دمنه که در پی تقرب به شیر است، بیشتر با اهداف شخصی او همخوانی و تناسب دارد. این نصایح در ابتدای برخورد با شیر توأم با رفتاری حمایت‌گرانه است و قبل از کشته شدن گاو بیشتر حالت برانگیزانندگی و ترغیب و تحریک شیر را دارد. دمنه بعد از کشته شدن گاو و متهم شدن نزد شیر برای رد اتهام نصایحی به شیر می‌کند که بیشتر به درنگ و تأمل در امر قضاوت مربوط است. بیشترین بسامد پند و اندرز در این داستان از زبان دمنه به شیر و کلیده است که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

5-1-1- تعجیل در تدارک امور و دور اندیشی: دمنه که در پی توطئه چینی علیه

گاو است، بعد از شایعه پراکنی درباره وی و تهمت به او، شیر را پند می‌دهد که باید در کشتن گاو تعجیل کند زیرا به تعجیل، تدبیر کارها حاصل می‌شود (نصرالله منشی، ۱۳۸۲: ۸۹-۹۰). او برای تحریک شیر و تأیید پندش داستان سه ماهی را مثال می‌زند

و در نهایت این نتیجه را می‌گیرد که فرد دوران‌دیش باید در کارش عجله کند: «این مثل را بدان آوردم تا ملک را مقرر شود که در کار شنبه تعجیل واجب است و پادشاه کامگار آن باشد که تدبیر کارها پیش از فوت فرصت و عدم مکنت بفرماید» (همان: 92). گرچه دور اندیشی نکته ای اخلاقی است اما با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط سنجیده می‌شود. پند دمنه با در نظر گرفتن شرایطی که در آن قرار دارد، امری ضد اخلاقی است. وی در واقع می‌خواهد با پندی اخلاقی عملی غیرا اخلاقی انجام شود و به خواسته خویش دست یابد. بنابراین نقل این حکایت خالی از اغراض سوء نیست و پایه و اساس این پند بر منفعت طلبی و در نظر گرفتن منافع شخصی دمنه است و حيله و مکر بر تنفیذ این امر مترتب است.

5-1-2- شنیدن و پذیرش سخن ناصح: دمنه که در جای جای این داستان خود را ناصحی خیرخواه می‌داند، به صورت غیر مستقیم شیر را مورد خطاب قرار می‌دهد: «هر کس سخن ناصحان، اگرچه درشت و بی‌محابا گویند استماع ننماید، عواقب کارهای او از پشیمانی خالی نماند» (همان: 94). او نصایح خود را که برای شیر بیان می‌کند، حقی برای خویش نزد پادشاه می‌داند و دلسوزترین زیردستان را کسی می‌داند که در رساندن نصیحت پافشاری می‌کنند (همان: 94-95). گرچه او در بیان نصیحت اصرار می‌ورزد ولی به طور صریح به بیان موارد اخلاقی نمی‌پردازد و بر نصیحتی که همراه با بیان کلمات درشت و بی‌محاباست تأکید دارد. در واقع با این پند و نصیحت، حق نابجایی را برای خویش و امثال خویش در نظر می‌گیرد که چندان ستودنی نیست.

5-1-3- ضرر و زیان از دست دادن فرصت‌ها: دمنه برای تحریک هر چه بیشتر شیر بر کشتن گاو او را پند می‌دهد و بر آن است که: «پیش از آن که خصم، فرصت چاشت بیابد برای او شامی گواران سازد، چه دشمن به مهلت قوت گیرد و به مدت عُدت یابد» (نصرالله منشی، 1382: 94-95). وی به صورت غیرمستقیم شیر را ملکی

عاجز خطاب می کند تا شیر با این گونه خطاب قرار گرفتن، چاره اندیشی و تدبیر را به کار نگیرد و آنچه را که دمنه در پی آن است (کشته شدن گاو) محقق سازد. دمنه حتی معایب از دست دادن فرصت را نیز برمی شمرد تا پندش مؤثرتر واقع شود: «چون فرصت فایت گشت و خصم استیلا یافت نزدیکان خود را متهم گرداند و به هر یک حوالت کردن گیرد» (همان: 96). این پند به دلیل آن که شیر را از چاره اندیشی و درنگ و تدبیر منع می کند و تنها مصلحت فردی و موقعیتی دمنه در نظر گرفته می شود، امری غیر اخلاقی است.

4-1-5- تدبیر و اجرای کارها بر وفق سیاست: دمنه شیر را در مورد آیین جهاننداری نصیحت می کند و او را به اجرای اوامر با سیاست پادشاهی ترغیب می کند (همان: 96). او با بیان دو بیت شعر عربی و ضرب المثل بر به کارداشت سیاست تأکید می ورزد. سیاستی که دمنه بر آن تأکید می ورزد، سیاستی همراه با اخلاق نیست بلکه بر به کارداشت قدرت استبدادی و قدرت مبتنی بر زور در امور اصرار می ورزد.

5-1-5- عدم بخشش در موضع نا امن: دمنه پس از توطئه علیه گاو و کشته شدن او برای توجیه خیانتش به شیر، از درست بودن واکنش شیر در برابر شنزبه صحبت می کند. در واقع سیاست ماکیاولیستی دمنه این گونه است که با عوام فریبی، عمل او را خردمندانه می داند و با همین سیاست وی را متقاعد می کند که خیانتی مرتکب نشده است و در اینجاست که شخصیتی که از شیوه‌ای ضد اخلاقی بهره می گیرد، ستوده می شود و خردمند لقب می گیرد (همان: 125).

6-1-5- مجاهدت و درنگ در کشف شبهت: پس از کشته شدن گاو و مظنون شدن به دمنه، شیر که دفاعیات دمنه را می شنود، دستور می دهد او را به قاضیان بسپرنند. دمنه که از تصمیم عجولانه و غیرمنطقی و بدون تأمل شیر اطلاع دارد، او را به تأمل و درنگ در امر قضاوت پند می دهد (نصرالله منشی، 1382: 134). همچنین برای

اینکه شیر در مورد او تعجیل نکند، داستان زن بازرگان را نمونه می آورد تا پندش را مؤکد کند (همان: 137-138).

در این نمونه نیز پند دمنه درباره صبر و شکیبایی، در واقع برای تاخیر انداختن در امر قضاوت و رفع اتهام نسبت به خویش و جلب منفعت شخصی است. در واقع این پند تنها منفعت و مصلحت شخصی است که به ظاهر اخلاق و تعلیم آراسته شده است. دمنه در مواردی که به تعجیل در امر قضاوت تأکید دارد، برای از بین بردن شنزبه و رسیدن خویشتن به قدرت اصرار دارد و در این مورد که به صبر تأکید می کند برای به تأخیر انداختن امر قضاوت و روبرو نشدن با جرمی است که مرتکب شده است.

2-5- اندرزه‌های دمنه به کلیده

دمنه در نصایحش به کلیده نیز اهداف خود را دنبال می کند. او مواردی را به کلیده گوشزد می کند که با هدف تقرب به شیر همخوانی دارد.

1-2-5- همت بلند داشتن و عدم توجه به امور پست و بی ارزش: دمنه برای

رسیدن به قدرت از تمام شیوه های ضد اخلاقی بهره می گیرد. برداشت او از هنجارها و رذایل اخلاقی با آموزه های اخلاقی تفاوتی آشکار دارد. حرص و آز از صفاتی است که باید نکوهیده شود، چنان که در شاهنامه و متون دیگر در زمره بدترین دیوها شمرده شده است. نقطه مقابل حرص، قناعت است که در آثار ادبی و اخلاقی ستایش شده است. احتمالاً علت تاریخی اهمیت قناعت به وضع اقتصادی و جغرافیایی خاص مشرق زمین بازمی گردد، سرزمین هایی که مردمان آن همواره نگران نامالایمات جوئی و دیگر ناسازگاری های محیطی بوده اند و در نتیجه فقر و نگرانی درباره به دست آوردن قوت لایموت همراه همیشگی آنان بوده است. دمنه برخلاف چنین سنتی، به طبیعت انسانی خود می اندیشد و حرص را صفت ضروری حیات و عامل پیشرفت می داند. به همین دلیل، قناعت را دون همتی و پستی می شمرد.

از دناست شمر قناعت را همت را که نام کرده است از
(نصراالله منشی، 1382: 62)

دمنه عمل سلطانی را نتیجه رفعت همت و قوت طبع انسان می داند و برای تأکید بر این امر از آموزه های علما سخن به میان می آورد که: «علما گویند مقام صاحب مروت به دو موضع ستوده است: در خدمت پادشاه کامران، مگرم، یا در میان زهاد قانع، محترم» (همان: 67).

5-2-2-2 رسیدن به بزرگی با هر وسیله‌ای: دمنه برای قانع کردن کلیله که او را از نزدیکی سلطان برحذر می دارد به او می گوید: هر که از خطر بپرهیزد خطیر نگردد (همان: 67). در این نمونه، گر چه پند به پذیرش خطر در راه بزرگی در مد نظر است در اخلاق به این اما بزرگی با نظری سوء نگریسته شده است، چون اولاً تأکید به تقرب به مقامی دنیایی است و ثانیاً رسیدن به این بزرگی، همراه با ویران ساختن شخصی در آن مقام است؛ لذا در این پند نیز در نظر گرفتن منافع شخصی در مد نظر است و اخلاق با آن سازگاری ندارد.

5-2-3-3 به کار بستن رای و حیلت در امور: دمنه در جواب کلیله که او را از جنگیدن با گاو ناتوان می داند می گوید: «بنای کارها به قوت ذات و استیلای اعوان نیست» (همان: 81) و بعد از ذکر شعری برای تأکید اندیشه و تدبیر چنین می گوید: «آنچه به رأی و حیلت توان کرد، به زور و قوت دست ندهد» (همان). دمنه در ادامه این پندش، داستان زاغ و مار را مثال می زند که اگر چه زاغ به تنهایی از عهده مار بر نمی آید ولی در نهایت با چاره اندیشی و مشورت با شگال، مار را به هلاکت می‌رساند. در انتهای این داستان نیز سفارش می کند که هر حيله و چاره اندیشی مثمر ثمر واقع نمی شود بلکه باید با مشورت خردمندان همراه باشد. دمنه حتی به انجام خواسته دشمن در تدبیر و چاره اندیشی تأکید می کند چرا که احتمال می دهد

درخواست تدبیر از سوی دشمن، سبب دستیابی به نفع شود و این نکته ای است که او خود در اغلب پندهایش در پی آن است (نصراالله منشی، 1382: 83). علاوه بر این، در این حکایت به فایده مکر و حيله در مقابله با دشمن تأکید می کند. مضمون حکایت نیز از حوزه اخلاق فردی فراتر می رود و در حقیقت نوعی راهبرد در سیاست و حکومت می شود. در این پند، به مکر و حيله فراتر از روابط فردی نگریسته شده است تا جایی که شاید بتوان گفت بر پایه توطئه سیاسی قرار می گیرد، توطئه ای که از لوازم قدرت محسوب می شود و ابزار حکمرانی است و همین می تواند تأکیدی باشد بر این که دمنه فعلیت یافتن پیروزی اش را مدیون نیرنگ بازی و استفاده از فرصت های مناسب می داند. در واقع در این پند شخصیت پیروز کسی است که برای رسیدن به هدف خود از سیاست های مبتنی بر ضد اخلاق استفاده کند.

6- نتیجه

از آنجا که کلیله و دمنه همواره متنی سیاسی - ادبی شناخته شده که با مفاهیم اخلاقی درآمیخته است، چالش هایی را که در تفکر شرقی میان نظریه های اخلاقی و سیاست عملی وجود داشته، در خود نشان داده است. مفاهیمی که در این اثر مطرح شده، به قول فوشه کور بیشتر به نصیحه الملوک شباهت دارد. از آنجا که در این اثر مردم نقش پررنگی ندارند، اغلب با اخلاقیاتی روبه رویم که مورد نیاز طبقات بالای جامعه و به ویژه طبقه قدرت است.

بررسی پند و اندرز در داستان شیر و گاو نشان می دهد که هر یک از شخصیت های داستان با توجه به ویژگی های رفتاری، پند خود را به طرف مقابل می دهند. گرچه نصایحی که از زبان شخصیت های داستان داده می شود با احادیث، روایات، آیات قرآنی، شعر و کلمات قصار مؤکد می گردد اما این نصایح اغلب جنبه کلامی دارند و

در حد توصیه و سفارشند و تأثیر چشمگیری در عمل شخصیت‌ها ندارند. علی‌رغم این که مصنف اثر با توسل به پند و اندرزهای فراوان سعی داشته رفتارهای اخلاقی و نیک را به مخاطب خود القا کند ولی نوع رفتار شخصیت‌های داستانی که در پی رسیدن به قدرتند، سبب ناسازگاری پند و اندرزها با مفاهیم اخلاقی شده است. در واقع بر خلاف دیالوگ‌های اخلاق‌گرای اثر، شخصیت مسئله‌داری چون دمنه برای دست یافتن به اهدافش از فریب، حيله، فرصت‌طلبی و... استفاده می‌کند. چنین ساختاری خواسته یا ناخواسته به این مفاهیم وجهی مثبت می‌بخشد و تلویحاً این اصل مشهور ماکیاولی را به مخاطب یادآور می‌شود که هدف وسیله را توجیه می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1- از اپیزود (Episode)، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در فرهنگ اصطلاحات ادبی آمده است: «حادثه یا رویدادی مستقل است که در متن یک روایت بلند جای دارد؛ گاه این حادثه مستقل به روند پیرنگ داستان مربوط می‌شود و گاه ربطی با پیرنگ داستان ندارد» (داد، 1390: 380).

2- مال دوستی و جاه‌طلبی «در دل‌های آدمیان ریشه‌هایی چنان استوار دارد که به هر مقامی که ارتقا یابند باز از میان نمی‌رود. دلیلش آن است که طبیعت، ایشان را چنان آفریده است که خواستار همه چیزند ولی توانایی به دست آوردن آن‌ها را ندارند و چون آرزوهایشان بدین گونه بیشتر از توانایی‌شان است از آن چه دارند ناخرسندند» (ماکیاولی، گفتارها به نقل از و. ت. جونز، خداوندان اندیشه‌های سیاسی، ج 2، ص 627) (جونز، 1358: 627).

منابع

1- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (1370). *جام جهان بین*، تهران: جامی.

- 2- اطمینان، خدیجه (1388). ماکیاولیسم و مشابهت های مندرج در کلیله و دمنه و مرزبان نامه با آن، مجلهٔ بیک نور، علوم انسانی، س هفتم، ش اول، صص 22-31.
- 3- تقوی، محمد (1376). حکایت های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه.
- 4- حسن پور، جمیل؛ منوچهر ده یادگاری (1388). اخلاق و سیاست از دیدگاه نظریه انتقادی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، ش دوم، صص 108-138.
- 5- حلبی، علی اصغر (1385). افسانه‌های ازوپ، تهران: اساطیر.
- 6- دهقانان، جواد؛ ناصر نیکویخت (1390). نقد اخلاق گرایی در کلیله و دمنه با نیم نگاهی به اندیشه های ماکیاولی، فصلنامهٔ نقد ادبی، س چهارم، ش 14، صص 133-159.
- 7- رضی، احمد (1391). کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان، س چهارم، ش پانزدهم، صص 97-120.
- 8- شریف پور، عنایت الله؛ محتشم محمدی (1387). اندیشه سیاسی در کلیله و دمنه، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، دوره جدید، ش 24 (پیاپی 21)، صص 54-69.
- 9- عالم، عبدالرحمن (1384). بنیادهای علم سیاست، تهران: نی.
- 10- فوشه کور، شارل هانری (1377). اخلاقیات، مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سدهٔ سوم تا سدهٔ هفتم هجری، ترجمهٔ محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 11- کراچی، روح انگیز (1383). پروین اعتصامی، شیراز: داستان سرا.
- 12- محجوب، محمدجعفر (1349). دربارهٔ کلیله و دمنه، تهران: خوارزمی.
- 13- ماکیاولی، نیکولو (1377). گفتارها، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی.

- 14- ----- (1375). شهریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران: مرکز.
- 15- مجتبایی، فتح الله (1381). رای و برهمن، تهران: سخن.
- 16- مشرف، مریم (1389). جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن و دانشگاه شهید بهشتی.
- 17- نصرالله منشی (1382). کلیده و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.